

بررسی فقهی حقوقی قصاص پدر در جنایت علیه کودکان متولد از اسپرم اهدایی

جعفر سلمانزاده* / رقیه صادقی رام**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

چکیده

انسان، موجودی اجتماعی است و با توجه به پذیرش زندگی اجتماعی، ملزم به رعایت حقوق دیگران در جامعه است. یکی از حقوق اساسی انسان‌ها، حق حیات است. قانون مجازات اسلامی، به تبع فقه امامیه، با تأکید بر حق حیات، مجازات قصاص را برای جنایات عمدی تعیین کرده است؛ اما چنان‌که این جنایات از سوی پدر بر فرزند اعمال شود، قصاص ثابت نمی‌شود. گاه به دلیل استفاده از روش‌های نوین درمان ناباروری، کودکانی با اسپرم اهدایی متولد می‌شوند که دارای پدری غیر از پدر ظاهری و اجتماعی خود هستند و این مسأله، مشکلاتی را در اجرای این حکم استثنائی به وجود می‌آورد. هدف اصلی این پژوهش بررسی مبنا و علت حکم عدم ثبوت قصاص و بررسی شمول آن نسبت به صاحب اسپرم و گیرنده اسپرم می‌باشد. روش پژوهش، کتابخانه‌ای و اسنادی، با بهره‌گیری از کتب، مقالات، منابع حقوقی، دینی و مقررات داخلی، به روش استدلالی و تحلیلی بوده و پژوهشی کاربردی به شمار می‌رود که می‌تواند راهگشای قانونگذار در تدوین قوانین مناسب تر در تبیین و تعیین دقیق وضعیت این کودکان باشد. یافته‌ها بیانگر این است که گرچه حق استفاده از گامت اهدایی در قوانین ایران به رسمیت شناخته شده، اما قوانین ایران، در قالب چند ماده معدود، بدون توجه به بسیاری از معضلات ناشی از این موضوع مطرح شده که به دلیل نواقص موجود، در بلندمدت می‌تواند آثار نامطلوبی بر وضعیت حقوقی و اجتماعی اشخاص برجا گذارد.

کلیدواژه: فرزند، پدر، اسپرم اهدایی، قصاص.

* استادیار فقه و حقوق خصوصی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

در جامعه کنونی ایران، تغییر سبک زندگی از سنتی به مدرن، تحصیل و اشتغال زنان، افزایش هزینه‌های زندگی و ... باعث افزایش سن ازدواج و باروری و در نتیجه، ایجاد مشکلاتی در مسأله باروری گردیده است. امروزه، با پیشرفت علم پزشکی، مشکل ناباروری، لاینحل نبوده و گرچه مستلزم درمان‌هایی گاه طولانی مدت و سخت است، لیکن در اغلب موارد، منتج به نتیجه می‌گردد (خلیلیان و رضایی، ۱۳۹۹: ۴۶). این درمان‌ها، با توجه به نوع ناباروری و وضعیت جسمی هر یک از زوجین توسط پزشک و با رضایت زوجین انتخاب می‌شود. گاهی مواقع که زن یا شوهر یا هر دو، فاقد گامت بوده یا به دلایل ژنتیکی، نمی‌توانند فرزندی سالم به دنیا بیاورند از روش‌های درمان ناباروری استفاده می‌گردد که از جمله این روش‌ها، تلقیح مصنوعی است که از گامت اهدایی برای حل این مشکل استفاده می‌شود.

تلقیح در لغت از واژه «لقح» به معنای آبستن کردن و آبستن شدن جنس مؤنث (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۹۴۲) مأخوذ گردیده و واژه لقاح به معنای آمیخته شدن یک تخمک با یک اسپروماتوزوئید (بارباراجی، ۱۳۷۶: ۴۵) و گامت، مجموعه‌ای از یاخته‌هایی شامل اسپرم یا تخمک است که از یک شخصی به شخص دیگر برای مقاصد تولیدمثلی مورد انتقال قرار می‌گیرد (بی‌تابس، ۱۳۹۶: ۹۲). روش‌های تلقیح مصنوعی، در کشورهای مختلف با برخوردهای متفاوتی مواجه بوده و در برخی کشورها، منتهی به تصویب قوانینی شده است. باروری به کمک ابزار پزشکی به شیوه‌هایی که امروزه مطرح است، با عنوان انتقال منی از راه مساحقه در فقه امامیه و استدخال منی در فقه شافعی تناسب دارد؛ ولی در روایات، سابقه‌ای نداشته و در فقه نیز جز در عصر حاضر، پیشینه‌ای ندارد و فقط از آیات، روایات و ابواب فقهی مرتبط و اصول و کلیات فقه شیعه و از ادله و روایات خاص مربوط به شیوه‌های غیر

طبیعی تولیدمثل می‌توان احکام و آثار باروری پزشکی را استنباط کرد (رضانیا معلم، ۱۳۸۶: ۲۳).

در کشور ایران نیز، روش‌های نوین درمان ناباروری هم‌سطح بسیاری از کشورهای پیشرفته کاربرد داشته و مقررات خاصی نیز در این زمینه وجود دارد. قانون باید مکانیزمی جهت تطبیق و تسهیل مبادله‌ی واقعیت‌های موجود و ارزش‌های مقبول جامعه تدارک ببیند و در این مورد، با اتخاذ تصمیماتی، به دستاوردهای ژنتیکی جهت بیخشد و در موارد لزوم، با بهره‌گیری از راهکار جرم‌انگاری از هرگونه سوء استفاده اخلاقی پیشگیری کند (نایب زاده، ۱۳۸۰: ۱۵)؛ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور، مصوب سال ۱۳۸۲ و آیین‌نامه آن، اقدام به تعیین چگونگی اهدای جنین و شرایط اهدا کننده و گیرنده نموده است.

با این حال، قانون اهدای جنین از یک سو، صرفاً در خصوص جنین اهدایی بوده و هیچ اظهارنظری در مورد اسپرم یا تخمک اهدایی صورت نکرده است و از سوی دیگر، ابهامات مختلفی در خصوص حقوق و تکالیف کودک متولد از روش‌های نوین درمانی وجود دارد که این مسأله، ممکن است وضعیّت اجتماعی و حقوقی او را متزلزل کرده و او را دچار چالش‌های روحی و اجتماعی نماید. در خصوص مورد اول، این قانون در عمل، نسبت به اهدای اسپرم و تخمک نیز مورد استفاده می‌گیرد ولی در خصوص مورد دوم، صرفاً در ماده ۳ قانون اهدای جنین، نسبت به حقوق و تکالیف والدین، تعیین تکلیف شده و حقوق و تکالیف گیرنده و کودک را از لحاظ نگهداری، تربیت، نفقه و احترام، نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر می‌داند.

در اجرای برخی از مجازات‌ها، از جمله قصاص شناخت پدر امری ضروری است. قصاص، مجازات اصلی برای جنایات عمدی علیه اشخاص در قانون مجازات اسلامی و تضمین حقّ حیات انسان هاست که مهم‌ترین و اساسی‌ترین حقّ هر انسانی در جامعه است. مسأله عدم قصاص پدر در جنایات عمدی نسبت به فرزند، یک حکم استثنائی

است که اصل قصاص را تضییق می‌کند؛ بنابراین، باید منحصر به همان موارد استثنائی شود. در منابع فقهی، در خصوص مبنای عدم قصاص پدر در جنایات عمدی علیه فرزند، مسائلی مطرح شده و اصل عدم قصاص پدر، مورد قبول فقهای امامیه بوده و وارد قانون مجازات اسلامی نیز شده است لیکن، با توجه به گسترش درمان‌های ناباروری و و تولد کودکان حاصل از اسپرم اهدایی، این سؤال پیش می‌آید که حکم عدم قصاص پدر در جنایات علیه فرزند، پدر طبیعی را در بر می‌گیرد یا پدر اجتماعی را یا هر دو؟

حقوق، اغلب، دیرتر از نهادهای دیگر در جامعه رشد می‌کند و تحولات اجتماعی و تغییرات فنی و پزشکی، باعث احساس نیاز به تغییر قوانین می‌شود. قانون باید با توجه به نیازهای جامعه و تغییرات آن، دچار دگرگونی شود تا بتواند نیازهای اجتماعی را تأمین کند؛ و در غیر این صورت، قانون را از توجه عمومی محروم و آن را متروک می‌کند (صانعی، ۱۳۸۹: ۱۹۳). وجود قانون مناسب که حقوق و تکالیف انسانی را به درستی تعیین کند، یکی از ضروریات جامعه محسوب می‌شود. با توجه به تحولات نوین در مسأله باروری و تولیدمثل، یکی از ضروریات حقوقی و اجتماعی، تصویب قانون جامع در خصوص وضعیت اطفال و والدین ناشی از اهدای گامت است. فارغ از ابهامات متعدد موجود در این قانون، که آثار آن در آینده‌ای نه چندان دور بروز پیدا خواهد کرد، مسأله شناسایی پدر در جنایات علیه تمامیت جسمانی نسبت به کودکان متولد از اسپرم اهدایی همچنان باقی است که نه در قانون و نه در منابع فقهی جدید اشاره‌ای به آن نشده است.

پژوهش‌های مختلفی در راستای بررسی مسایل حقوقی و فقهی ناشی از اهدای گامت و وضعیت کودکان متولد شده، وجود دارد. به عنوان نمونه، محمد روشن در مقاله «بررسی حقوقی اهدای گامت و جنین» و سید حسن صفایی در مقاله «نارسایی‌های قانون ایران درباره اهدای گامت و جنین با توجه به حقوق تطبیقی» به

بررسی برخی نواقصات موجود در قانون و بررسی تطبیقی با حقوق دیگر کشورها پرداخته‌اند. فطمه فرامرزی، سید مهدی صالحی و همکاران نیز در مقاله «تعارض قانون و موضع فقهی برخی مراجع معاصر پیرامون هویت و حقوق طفل آزمایشگاهی» به صورت جزئی به مسأله قصاص پرداخته‌اند. این پژوهش به صورت جامع با تبیین مبانی، به بررسی ثبوت یا عدم ثبوت قصاص بر پدر نسبت به جنایات عمدی علیه فرزند پرداخته و نواقص قانون موجود را تبیین می‌کند. پژوهش حاضر، در دو بخش به بررسی ادله و مبانی عدم قصاص پدر و بررسی شمول حکم عدم قصاص نسبت به صاحب اسپرم و گیرنده اسپرم می‌پردازد.

۱- بررسی قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور

تنها قانون مرتبط با موضوع مورد مطالعه در ایران قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور می‌باشد که پس از معطلی فراوان و بحث‌های فقهی و حقوقی متفاوت، بالاخره در تاریخ ۱۳۸۲/۴/۲۹ مجلس شورای اسلامی آن را در پنج ماده تصویب نمود و آیین‌نامه اجرایی آن نیز در تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۹ زیر نظر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت دادگستری تهیه و تدوین گردید. نکته قابل توجه این که هرچند این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن تا پایان سال ۱۳۸۳ تصویب و لازم الاجرا شد، اما تا سال ۱۳۸۵ ابلاغ این آیین‌نامه به وزارتخانه‌ها صورت نگرفت تا این که در سال ۱۳۸۵ این ابلاغ صورت گرفت و در تاریخ ۱۳۸۵/۹/۳ شعبه ۲۵۶ دادگاه خانواده تهران نیز طی حکمی به زوجین نابارور، اجازه داد تا با استفاده از تلقیح مصنوعی و مادر جانشین به آرزوی چندین ساله خود برسند.

طفل متولد از تلقیح مصنوعی، طفل قانونی است و تمامی شرایط لازم برای نسب قانونی را دارد و فرقی که مورد لقاح مصنوعی با موارد عادی دارد آن است که در لقاح مصنوعی، طفل به وسیله لقاح طبیعی و نزدیکی زن و شوهر به وجود نیامده

بررسی فقهی حقوقی قصاص پدر در جنایت علیه کودکان متولد از اسپرم اهدایی — ۲۶۰

است و این امر، تأثیری در تحقق نسب قانونی ندارد، زیرا قانون، نزدیکی را منحصرأ شرط نسب قانونی قرار نداده و در بررسی مواد ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ نزدیکی را به عنوان فرد شایع تلقی نموده است (امامی، ۱۳۴۳: ۶۳). طبق ماده ۱ این قانون، همانند رحم اجاره‌ای یا عاریه‌ای، جنین حاصله از زوجین قانونی و شرعی با موافقت کتبی آنها و پس از اخذ مجوز دریافت جنین از طرف دادگاه به رحم زنان نابارور منتقل می‌شود. با این تفاوت که در این نوع از تلقیح، طفل متولد شده به صاحبان اسپرم و تخمک (زوجین اهداکننده جنین) مسترد نمی‌گردد بلکه وفق نص صریح ماده ۳ قانون مارالدکر، اهدا گیرنده، وظایف و تکالیف نگهداری، تربیت و نفقه و ... طفل متولد شده را نظیر پدر و مادر برعهده می‌گیرد (وطن خواه، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

با تصویب قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور، در کشور ما صرفاً تلقیح مصنوعی همگون دارای وجاهت قانونی می‌باشد. تلقیح مصنوعی چون متضمن مقاربت مرد و زن نیست رابطه نامشروع محسوب نمی‌گردد (امامی، ۱۳۴۲: ۳۶) و در مورد جواز یا عدم جواز نوع ناهمگون آن بین فقها و حقوقدانان تشّت آراء وجود دارد و در قانون مجازات اسلامی هم که جایگاه اصلی طرح افعال و ترک افعال مجرمانه و تعیین مجازات مرتکبین می‌باشد و نیز در سایر قوانین کشور، موادی که به جرم‌انگاری موضوع مورد مطالعه و یا مسائل مرتبط با آن پرداخته باشد، یافت نمی‌شود (همان)؛ در واقع، قوانین فعلی حاکم بر جامعه ایرانی، همانند اکثر مباحث نوین و مسائل مربوط به حقوق پزشکی در این مورد نیز سکوت اختیار نموده است.

۲- بررسی الحاق و عدم الحاق طفل به اهداکننده و اهداگیرنده

قانون ایران درخصوص نسب طفل حاصل از اهدای جنین، ساکت است و به حکم اصل ۱۶۷ قانون اساسی، برای روشن شدن هویت طفل حاصل از اهدا، ناگزیر از مراجعه به فتاوی معتبر فقها هستیم (حشمتی فر و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۵۸). نظرات ارائه

شده از سوی فقها و دیگر اندیشمندان در این خصوص، متفاوت است و از جمع‌بندی تئوری‌های ارائه شده، می‌توان به این نتیجه رسید که در خصوص هویت پدر طفل حاصل از اهدا، چند نظریه مطرح شده است که مطابق نظریه غالب، طفل حاصل، ملحق به مرد صاحب نطفه است.

برای الحاق طفل به پدر و مادر، خصوصیتی در نزدیکی نیست و اگر قانونگذار در مواد ۱۱۸۵ و ۱۱۵۹ قانون مدنی از نزدیکی سخن گفته، به اعتبار این است که معمولاً عمل مزبور موجب انعقاد نطفه می‌شود. پس هرگاه نطفه شوهر با وسیله‌ای جز نزدیکی وارد رحم زن شده و از ترکیب اسپرم شوهر با تخمک زن فرزندی پدید آید، ملحق به صاحب نطفه و مادر است (صفایی و امامی، ۱۳۸۰: ۶۷). در چنین موردی، برخی فقهای امامیه با توجه به آیات و روایات، معتقدند که کودک با صاحب اسپرم قرابت نسبی دارد و در واقع پدر کودک، صاحب اسپرم خواهد بود. عده‌ای دیگر معتقدند که برای انتساب طفل به صاحب اسپرم لازم است که در اثر نزدیکی زن و مردی فرزندی متولد گردد (طباطبائی حکیم، ۱۴۳۳: ۲۹۸/۲). با توجه به روایات مذکور و برخی اخبار دیگر، مشهور فقهای امامیه، انتساب اشخاص به همدیگر را فقط از راه خون ممکن دانسته‌اند (ملک زاده، ۱۳۷۸: ۷۶). قانون مدنی ایران نیز به تبعیت از نظر مشهور فقهای امامیه، برقراری نسب از راه خون را پذیرفته و حتی در صورتی که نزدیکی بین دو یا چند شخص، بدون رابطه زوجیت شرعی، اما از روی شبهه صورت گرفته باشد باز هم قائل به تحقق نسب قانونی است.

اما زمانی که کودک از اسپرم شخصی غیر از شوهر زن صاحب رحم، به وجود آید آن چه که مسلم است شوهر زن صاحب رحم، از جهت قرابت خونی رابطه‌ای با کودک ندارد، گرچه کودک در کانون خانوادگی او و از زوجه‌اش متولد شده و ممکن است عرفاً در حکم پدر کودک محسوب گردد. براساس نظر آیه الله فاضل لنکرانی، در فرض مزبور، کودک، ملحق به شوهر زن نمی‌شود، بلکه ملحق به مرد

صاحب نطفه است. از نظر آیه الله مکارم شیرازی نیز، طفل متعلق به شوهر زن نبوده و ملحق به صاحب نطفه است؛ ولی به شوهر آن زن، محرم است (روشن و حمدالهی، ۱۳۸۷: ۲۰۱)؛ مبنای نظر این عدّه از فقها، ظاهراً روایت اسحاق بن عمار و دلالت آن بر انتساب عرضی طفل به صاحب نطفه است. اسحاق بن عمار از امام صادق(ع) نقل می‌کند که هرگاه مردی با همسرش جماع کند و سپس آن زن با کنیزی مساحقه کند که در اثر نفوذ اسپرم از زن به کنیز، آن کنیز باردار شود، فرزند ناشی از آن، به مرد صاحب نطفه ملحق می‌شود (حرّ عاملی، ۱۴۱۲: ۱۶۸/۲۸). با این وصف، از نظر نسب، نمی‌توان هیچ ارتباط نسبی میان کودک متولد شده از اسپرم اهدایی و شوهر زن صاحب رحم برقرار کرد.

۳- ادله و مبانی عدم قصاص پدر در جنایات عمدی علیه فرزند

هر انسانی در جامعه از حقوق و تکالیفی برخوردار است. تلازم حقّ و تکلیف از یک سو، دیگران را به رعایت حقوق انسان ملزم و از سوی دیگر، خود انسان را مسئول رفتارهای خود می‌کند. حقّ حیات، مهم‌ترین حقّ انسان بوده و هرگونه تجاوز به این حقّ، از شدیدترین جرایم ارتكابی علیه انسان بوده و هر انسانی ملزم به رعایت این حقّ است؛ براین اساس، نقض آن، با شدیدترین مجازات‌ها پاسخ داده می‌شود. آیه ۱۷۹ سوره بقره و آیه ۴۵ سوره مائده، مجازات قصاص را برای جرایم علیه تمامیت جسمانی به رسمیت شناخته و به تبع آن، روایات متعدد و اجماع فقها نیز بر این امر قرار گرفته است. بر اساس ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی نیز، قصاص، مجازات اصلی جنایت بر نفس، عضو و منفعت است، اما اعمال این مجازات بر جانی، مستلزم تحقّق شرایطی است. یکی از شروط لازم برای اجرای قصاص - اعم از نفس و عضو - این است که جانی، پدر یا جدّ پدری مجنیّ علیه نباشد. این شرط، به تبعیت از روایات منقول و نظر اکثریت فقهای امامیه، در ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی پذیرفته شده است.

فقه‌های امامیه، از جمله صاحب جواهر و صاحب تکمه المنهاج براساس روایات منقول از امام صادق(ع)، پس از بیان این حکم، آن را خالی از اختلاف دانسته و علاوه بر وجود روایات شیعه و سنی در این خصوص قائل به اجماع شده‌اند (نجفی، ۱۳۷۶: ۱۶۹/۴۲؛ خوئی، ۱۹۷۶: ۷۲/۲). صاحب جواهر، در خصوص جدّ پدری نیز قائل به اجماع شده و تردید برخی فقهای امامیه همچون شیخ طوسی و برخی فقهای اهل سنت را به دلیل شمول لغوی و عرفی عنوان «أب» بر جدّ پدری فاقد محمل دانسته است (نجفی، ۱۳۷۶: ۳۱۶/۲۱). علت وضع چنین حکمی در نظریات فقهای شیعه، مورد توجه چندان نبوده و اغلب فقهای امامیه، بدون هیچگونه تعلیلی، اقدام به بیان این حکم کرده و علت آن را وجود احادیث متعدد و اجماع فقها دانسته‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۵۲/۵؛ نجفی، ۱۳۷۶: ۳۱۶/۲۱). شهید ثانی، از فقهای است که در این مورد، صاحب نظر می‌باشد. ایشان، علت وجود چنین حکمی را احترام به پدر و سببیت پدر در وجود فرزند می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۲۳: ۱۵۶/۱۵).

در دیدگاه فقهای اهل سنت، چند دلیل برای این حکم مطرح شده است. برخی فقهای اهل سنت، علت این حکم را سببیت پدر نسبت به وجود فرزند تعیین کرده و بر این باور هستند که چون فرزند، جزئی از پدر است نمی‌توان پدر را به خاطر قتل فرزند، قصاص کرد (ابن قدامه، ۱۴۰۳: ۳۷۲؛ عوده، بی تا: ۱۱۶/۲). برخی، مهر و محبت پدر نسبت به فرزند را دلیل این حکم دانسته و بر این باور هستند که مهر و محبت پدر نسبت به فرزند، مانع از آن است که فرزند را از روی هوس و انزجار به قتل برساند (صابونی، ۱۴۰۰: ۱۸۱/۱). برخی از تعلیل‌ها مبتنی بر ولایت پدر بر فرزند است که این دیدگاه، جدّ پدری را هم در بر می‌گیرد؛ ولی از این جهت که شرط انتفای ابوت، شامل مجنی علیه بالغ نیز می‌شود نسبت به این دیدگاه، تردید شده است (ابن قدامه، ۱۴۰۳: ۳۷۳؛ عوده، بی تا: ۱۱۶/۲). برخی دیگر از فقهای اهل سنت، بر اساس حدیث «أنت و مالک لأبیک» معتقدند که هر چند مالکیت پدر از نوع مالکیت حقیقی نیست

ولی این حدیث، باعث شبهه شده و با توجه به قاعده «درأ» مجازات را ساقط می‌کند (ابن قدامه، ۱۴۰۳: ۳۷۲؛ عوده، بی تا: ۱۱۵/۲).

آن چه که از آیات قرآن برمی‌آید، عمومیت اصل قصاص بوده و شرط انتفای ابوت در اجرای قصاص در قرآن کریم تصریح نشده است (حیدری، ۱۳۸۷: ۱۸۱) چنان که برخی فقهای مالکی نیز به دلیل عمومیت ادله قصاص و به استناد این که این حکم، اجتهاد در مقابل نص است، با آن مخالفت کرده‌اند (عوده، بی تا: ۱۱۷/۲). از سوی دیگر، اجماع کاملی میان فقها در این زمینه وجود ندارد و ایراد شمول حکم نسبت به مادر همچنان باقی است. بر اساس دلایل مطروحه، مادر نیز می‌بایست مشمول حکم عدم قصاص باشد؛ چراکه پدر و مادر از حیث سببیت، احترام، محبت و دیگر مسائل، یکسان هستند اما به دلیل این که روایات واصله، فقط پدر و جد پدری را از قصاص معاف می‌داند، این حکم از دید فقهای امامیه، مادر را در بر نمی‌گیرد. این دیدگاه به تبعیت از نظر فقهای امامیه، وارد حقوق کیفری و قانون مجازات اسلامی شده و بر اساس قوانین فعلی جمهوری اسلامی ایران، پدر و جد پدری از بابت هرگونه جنایات عمدی بر فرزند قصاص نمی‌شوند.

۴- شمول حکم عدم قصاص نسبت به صاحب اسپرم و گیرنده اسپرم

شمول حکم عدم قصاص، مستلزم اثبات رابطه پدری و فرزندگی میان جانی و مجنی علیه است. در تمامی روابط قانونی و شرعی میان پدر و فرزند، نیاز به اثبات نسب می‌باشد. نسب عبارت است از رابطه خویشاوندی بین دو نفر که یکی از آنها از نسل دیگری یا هر دو از نسل شخص ثالث باشند (صفایی و امامی، ۱۳۹۷: ۳۱۰). نسب، در حقوق ایران آثار متعددی دارد: ارث، حضانت، پیشگیری از ازدواج با محارم و و همین آثار، شناسایی نسب را ضروری می‌کند. افزون بر آثار حقوقی، اطلاع از نسب

واقعی کودکان، امکان شناخت برخی بیماری‌ها را که جنبه ژنتیکی دارد فراهم می‌کند و در درمان برخی بیماری‌ها نیز مؤثر است.

نسب، به رابطه خویشاوندی بین دو نفر از طریق انعقاد نطفه، نزدیکی و منتهی شدن به ولادت تعریف شده است به گونه‌ای که رابطه خونی بین طفل و آن دو نفر که یکی پدر و دیگری مادر باشد موجود شود (امامی، ۱۳۴۷: ۱۷۱/۵). بنابراین، نسب، یک مسأله طبیعی است؛ اما دین اسلام، نسب طبیعی را در مورد فرزند متوگد از زنا مورد پذیرش قرار نداده است (شهیدی، ۱۳۹۶: ۱۳۸). به عبارت دیگر، نسب، در حین طبیعی بودن، باید جنبه مشروع و قانونی نیز داشته باشد. قانون مدنی نیز در مواد ۱۱۵۸ تا ۱۱۶۷ به تبعیت از منابع شرعی، نسب را ناشی از نکاح صحیح یا شبهه ثابت دانسته و نسب ناشی از زنا را نمی‌پذیرد. منشأ انتساب طفل به پدر، اماره فراش است؛ اما شرایط اماره فراش در کودکانی که از لقاح آزمایشگاهی متوگد شده‌اند محقق نمی‌شود (شهیدی، ۱۳۹۶: ۱۴۳) چراکه بر اساس ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی، یکی از شرایط این اماره، وجود نزدیکی است. این در حالی است که در توگد این کودک، نزدیکی والدین، نقشی نداشته است؛ بنابراین به طریق اولی در کودکان متوگد از اسپرم اهدایی، نمی‌توان با بهره‌گیری از قاعده فراش، شرط انتفای ابوت را جاری دانست. در مسأله عدم قصاص پدر نسبت به کودک متوگد شده از اسپرم اهدایی، می‌بایست شرط انتفای ابوت، هم نسبت به اهداکننده اسپرم و هم گیرنده آن مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس منابع قانونی و نظریات فقهای معاصر در استفتائات به عمل آمده، کودک متوگد شده از اسپرم اهدایی، به صاحب اسپرم منتسب می‌شود، اما در قانون و منابع فقهی، اشاره‌ای به نسب در خصوص شرط انتفای ابوت نشده است. در واقع مشخص نیست که شرط انتفای ابوت در قصاص، یا علت حکم عدم قصاص پدر در جنایات علیه فرزند، از بابت نسبت طبیعی و شرعی است یا از بابت نگهداری و مراقبت و زحماتی که پدر در طول سالیان برای پرورش و رشد کودک انجام داده است. چنان

که مبنای این حکم، سببیت پدر در ایجاد فرزند باشد گیرنده اسپرم و اجداد این پدر، از مجازات قصاص معاف نخواهند شد. این در حالی است که اگر مبنای این حکم را احترام به پدر به دلیل نقش او در رشد و تربیت کودک بدانیم، می‌توان گیرنده را نیز همانند پدر ژنتیکی، از مجازات قصاص معاف دانست. اگر وجود چنین حکمی را مبتنی بر جمع هر دو دلیل بدانیم، در این صورت، نه صاحب اسپرم و نه گیرنده اسپرم، از مجازات قصاص معاف نخواهند شد؛ اما اگر هر یک از دلایل برای رفع حکم قصاص را به همراه داشته باشد هر دو پدر، از قصاص معاف می‌باشند.

در منابع فقهی، در صورتی که دو نفر قاتل که شخص مجهول النسب را به قتل رسانده‌اند، ادعای پدری او را داشته باشند، برخی بنا بر اصل کلی قصاص و حفظ خون مسلمان، قائل به قرعه هستند (نجفی، ۱۳۷۶: ۱۷۱/۴۲)؛ اما بنا بر عقیده ای دیگر، تشخیص قاتل و اجرای قصاص با قرعه به دلیل مبادرت در ریختن خون و مغایرت با مسأله احتیاط در دماء درست نیست، چراکه یکی از آن دو قطعاً پدر مجنی علیه می‌باشد (شهید ثانی، ۱۴۲۳: ۱۵۷/۱۵) و ممکن است قرعه به نام پدر واقعی افتد. صاحب جواهر در این خصوص، دلیل قرعه را دارای عمومیت دانسته است (نجفی، ۱۳۷۶: ۱۷۱/۴۲)؛ بر اساس قانون مجازات اسلامی، مجازات اصلی در جرم قتل، قصاص بوده و حکم عدم قصاص به استناد وجود رابطه پدری و فرزندی، یک استثناء است؛ به همین دلیل است که ماده ۳۰۸ این قانون، ادعای ابوت را برای عدم قصاص کافی ندانسته و این حکم را مشروط به اثبات آن دانسته است. اما امروزه به دلیل گسترش علم پزشکی و امکان تشخیص رابطه ژنتیکی میان اشخاص با آزمایش DNA، شبهه مورد نظر به صورت عدم تشخیص پدر، مطرح نمی‌شود، بلکه شبهه از جهت مشخص نبودن علت حکم و در نتیجه، مشخص نبودن امکان قصاص نسبت به هر یک از اهداکننده و اهداگیرنده اسپرم است. در قانون مجازات اسلامی و قانون اهدای جنین نیز، حکمی در خصوص این مسأله تعیین نشده است.

بر اساس مواد ۸ و ۱۰ آیین‌نامه قانون اهدای جنین، اطلاعات مربوط به اهداکننده و اهداگیرنده گامت، محرمانه و جزو اسناد به کلی سَرّی بوده و جز در موارد استعلام از سوی مراجع قضایی و با رعایت وصف محرمانگی، قابل افشا نمی‌باشد. مخفی بودن اطلاعات، از نظر خانوادگی و اجتماعی مطلوب‌تر است (صفایی و امامی، ۱۳۹۷: ۳۶۹) و باعث می‌شود که تداخلات حقوقی و عاطفی کمتری در آینده برای اهداکننده و گیرنده ایجاد گردد. اما این امر، اطلاعات و تاریخچه نسب شناسی یک جامعه را تحریف می‌نماید و ارزش‌های بنیادین جامعه را مورد تهدید قرار می‌دهد (عباسی، ۱۳۷۹: ۲۰۶)، بنابراین، با وجودی که محرمانه ماندن اطلاعات مربوط به اهداکننده و گیرنده اسپرم، مطلوب است اما از یک سو، حقوق انسانی کودکان که از این طریق به دنیا می‌آیند (هاشمی و عکاظی، ۱۳۸۶: ۱۰۲) جلوگیری از اختلاط نسب، امکان بهره‌گیری از درمان‌های مبتنی بر ژنتیک و ... ضرورت آگاهی از نسب را آشکار می‌کند.

اگر گیرنده اسپرم که در واقع پدر اجتماعی کودک است، اقدام به قتل عمدی او کند با توجه به مخفی بودن تولّد کودک از اسپرم اهدایی، ظاهر در این است که جانی، پدر کودک بوده و تربیت کودک، پرداخت نفقه و ... همگی اماره‌ای در جهت اثبات ابوت است و به نظر نمی‌رسد که قضات دادگاه‌ها در چنین شرایطی به انجام آزمایش‌های ژنتیک اقدام کنند. اما مشکل، زمانی است که اختلاف پدید آمده و ادّعا شود که پدر اجتماعی، پدر ژنتیکی کودک نیست. در این فرض، چنان که نسب را شرط عدم قصاص بدانیم بررسی تشابه ژنتیکی کودک با جانی، ضروری خواهد بود. در صورت تشخیص رابطه ابوت با انجام آزمایش، صدور حکم به عدم قصاص به راحتی ممکن خواهد بود، اما در صورت عدم وجود تشابه ژنتیکی، می‌بایست به حکم کلی و اصلی قتل عمد، توجه کرده و حکم به قصاص نماید. در صورت وقوع شبهه نیز گرچه با توجه به این که ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی، قاعده درأ را شامل تمام

جرایم می‌داند، لیکن شبهه نمی‌تواند عاملی در راستای بهره‌گیری از این قاعده باشد؛ چراکه در صورت شبهه، پدر بودن باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات، قصاص جاری خواهد شد (حاجی ده‌آبادی، ۱۴۰۰: ۱۹۳ و ۱۹۴).

پرورش و نگهداری فرزندی، مستلزم وجود اختیارات لازم برای والدین است. این اختیارات، که هم ناشی از حقّ و هم ناشی از تکلیف والدین در نگهداری از فرزند است، در اهدای اسپرم، با توجه به اعراض اهداکننده از اسپرم خود، برعهده گیرنده بوده و این اختیار، از اهداکننده ساقط خواهد بود. بر همین اساس، ماده ۳ قانون اهدای جنین، وظایف و تکالیف گیرنده را از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر می‌داند. به ویژه این که اهداکننده اسپرم، به دلایل مالی، خیرخواهانه یا ... و بر اساس توافق به عمل آمده از گامت خود اعراض نموده و طبق قانون اهدای جنین، حقّ و وظیفه‌ای در قبال تربیت و نگهداری و ... نخواهد داشت. چنان که براساس بندت ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، با در نظر گرفتن نقش تربیتی برای والدین، اقدامات تربیتی والدین را با وجود شرایطی، جرم ندانسته است که این امر خود، قرینه‌ای بر این است که والدین حقّ تربیت کودک را دارند و در این میان فرقی میان پدری که در تکوین فرزندش نقش داشته و پدری که نقشی در این مورد نداشته، وجود ندارد.

با این حال، در صورت اشتراط نسب، اهداکننده اسپرم، گرچه هیچ نقشی در تربیت کودک نداشته، لیکن واجد ارتباط ژنتیکی با کودک بوده و به عنوان شخصی که کودک از نظر شرعی و قانونی به وی منتسب است، در صورت جنایت علیه کودک از قصاص معاف خواهد بود. دو فرض دیگر نیز در این خصوص، قابل تصور است؛ عدم قصاص هر یک از اهداکننده و گیرنده اسپرم به دلیل وجود رابطه نسبی و نقش تربیتی ایشان که در صورتی که شرط عدم قصاص هر یک از این دو نقش داشته باشد، می‌توان قائل به عدم قصاص هر یک از این اشخاص شد و در صورتی که هر یک از

دهنده و گیرنده اسپرم مرتکب جنایت عمدی علیه فرزند ژنتیکی یا اجتماعی خود بشود، به استناد وجود رابطه ابوت، از قصاص معاف خواهد شد. فرض دیگر نیز قصاص هر دوی این اشخاص به دلیل عدم تحقق جمیع شرایط یعنی نسب و تربیت است؛ چرا که اهداکننده در تربیت کودک و اهداگیرنده در تکوین کودک نقشی نداشته است.

نتیجه گیری

گرچه در حقوق ایران، برخلاف اغلب کشورهای اسلامی، وضعیت کودک متولد از اهدای گامت و جنین، تاحدودی روشن شده و در این زمینه، قانونگذاری وجود دارد و این مسأله می‌تواند نکته مثبتی در زمینه قانونگذاری باشد؛ اما علیرغم وجود قانون، قانون موجود در این زمینه دارای نواقصی است و می‌بایست با جزئیات بیشتری همراه باشد. وضعیت حقوقی گیرنده و اهداکننده اسپرم در موارد متعددی، مبهم بوده و همین مسأله علاوه بر این که ممکن است در صورت مشخص شدن، لطمات روحی فراوانی برای کودک داشته باشد ثبات حقوقی و اجتماعی کودک را نیز از بین می‌برد و موجب نامشخص شدن وضعیت حقوقی کودک و پدر اجتماعی وی می‌گردد.

یکی از این ابهامات، در زمینه قصاص پدر در ارتباط با قتل فرزند در اهداکننده و گیرنده اسپرم است که به دلیل اشتراک حکم با جد پدری، به پدر بزرگ اجتماعی و ظاهری و پدر بزرگ ژنتیکی کودک قابل تسری است. امروزه مسأله اهدای گامت در ایران گسترش یافته و باتوجه به وجود قانون و تجویز آن از سوی فقها، باید به جوانب و جزئیات آن نیز پرداخته شود تا وضعیت حقوقی و قانونی کودکان متولد از این فناوری، با در نظر گرفتن مسائل اجتماعی، توسل به نظریات فقهی و اصولی همچون احتیاط در دماء به صراحت مشخص شود. نامشخص بودن ابعاد حقوقی و قانونی اهدای گامت، در وضعیت اهداکننده، اهداگیرنده و کودکان متولد از این فناوری

تأثیرات نامطلوبی برجای گذاشته و ظهور این آثار در اجتماع، منجر به تزلزل بنای اهدای گامت برای تولد فرزند خواهد شد.

شرط انتفای ابوت، یکی از مسائلی است که در جرایم علیه تمامیت جسمانی مطرح شده و از موجبات عدم قصاص پدر در جنایات علیه فرزند می‌باشد. علیرغم این که مسأله نسب در اهدای تخمک، مسأله‌ای حلّ شده بوده و شرعاً و قانوناً طفل متولد از اسپرم اهدایی به اهداکننده، منتسب است اما درخصوص مسأله قصاص، شرط فقدان رابطه پدری و فرزندگی در جنایات علیه کودکان متولد شده از اسپرم اهدایی، دچار ابهام بوده و مشخص نیست که پدر ژنتیکی یا اهداکننده اسپرم، مشمول این شرط خواهد بود یا پدر اجتماعی و گیرنده اسپرم؟ علت این ابهام نیز آن است که در مسأله قصاص، صراحتاً بر روی نسب تأکید نشده و این تردید مطرح می‌شود که ممکن است پدر، به دلیل نقش تربیتی کودک، از حکم اصلی قصاص، مستثنی شده باشد.

مشخص شدن حکم قصاص یا عدم قصاص هر یک از دهندگان و گیرندگان اسپرم، مستلزم دستیابی به علت حکم است. به جهت نامشخص بودن علت حکم عدم قصاص پدر و جد پدری، می‌توان چند دیدگاه را مطرح کرد؛ عدم قصاص اهداکننده اسپرم و قصاص گیرنده اسپرم به دلیل وجود رابطه نسبی بین کودک و اهداکننده؛ عدم قصاص گیرنده اسپرم به دلیل نقش تربیتی و نگهداری کودک و حقی که از این بابت بر گردن کودک دارد؛ عدم قصاص هر یک از اهداکننده و اهداگیرنده، به دلیل تحقق رابطه نسبی نسبت به دهنده و رابطه تربیتی به گیرنده اسپرم و قصاص هر دو به دلیل عدم تحقق رابطه کامل پدری و فرزندگی شامل نسب و تربیت.

با توجه به اجماع فقها و عدم ذکر دلیل، به نظر می‌رسد که دیدگاه قصاص هر کدام از اهدادهنده و گیرنده اسپرم، قابل قبول نباشد و حداقل برای پدر نسبی بتوان قائل به عدم قصاص شد، چراکه در متون فقهی، همواره مسأله نسب، مورد تأکید بوده و شهید ثانی نیز در علت حکم عدم قصاص، به وجود سببیت پدر برای فرزند اشاره کرده

است. بنابراین، گرچه این نظر با طرح اعراض اهدادهنده از اسپرم خود، تضعیف می‌شود، لیکن حکم بر عدم قصاص گیرنده اسپرم و براساس ارتباط ژنتیکی و نسبی، حکم بر عدم قصاص اهدا کننده اسپرم، موافق موازین قانونی باشد.

درخصوص قصاص یا عدم قصاص گیرنده، هر دو دیدگاه قصاص و عدم قصاص دارای توجیهاتی است. باتوجه به فقدان رابطه نسبی و ژنتیکی و عدم تأثیر گیرنده در ایجاد کودک، امکان قصاص بیشتر است. با وجود این، گرچه گیرنده اسپرم، تأثیری در ایجاد کودک نداشته اما در رشد جسمی او نقش مؤثر دارد. از سوی دیگر، تأثیر گیرنده در رشد روحی و تربیت کودک، امری بدیهی است که احترام به او را ضروری می‌نماید. بنابراین، اگرچه حکم اصلی در جنایات عمدی قصاص بوده و مسأله حفظ خون، مستلزم اعمال قصاص است اما باتوجه به نقش گیرنده اسپرم در تربیت و نگهداری فرزند و براساس اصل احتیاط در دماء می‌توان قائل به عدم قصاص او شد؛ به ویژه این که تربیت کودک مستلزم اختیار او در تنبیه و تأدیب فرزند است که ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی با پذیرش حق تربیت والدین، با تحقق شرایط مندرج در ماده، والدین را قابل مجازات نمی‌داند. حق تربیت والدین، عملی را که در شرایط عادی جرم است، از جرم بودن خارج می‌کند، بنابراین می‌توان قائل بر این شد که پدر اجتماعی که کودک با تربیت او رشد کرده است نیز از قصاص معاف شود.

با وجود این، ابهام قانونی همچنان پابرجا بوده و این مسأله، از نواقص قانونگذاری به شمار می‌آید؛ چرا که یکی ویژگی‌های قانون خوب، فقدان ابهام و جلوگیری از تفسیرهای گوناگون است؛ در حالی که در این موضوع، عدم تعیین علت حکم و فقدان صراحت قانونگذار، موجب برداشت‌ها و تفاسیر گوناگون شده است. تغییر روش زندگی، ورود فناوری‌هایی چون درمان ناباروری و ... به دنیای مدرن، مستلزم وضع قوانین متناسب با این تغییرات است؛ به همین دلیل، از بین بردن ابهامات و تصویب قانونی که پاسخگوی نیازهای اجتماعی و مسائل جدید باشد بایسته بررسی

همه جانبه و توجه به جزئیات مسائل و بهره‌گیری از دیدگاه متخصصان علوم مرتبط از جمله پزشکی، روانشناسی، ژنتیک، حقوق و ... است؛ تا از مشکلات آتی که در آینده گریبان‌گیر جامعه خواهد شد، پیشگیری شود. با توجه به این که حقوق کیفری ایران، به ویژه در حوزه جنایات علیه اشخاص، برگرفته از موازین شرعی و دیدگاه فقهای عظام بوده، بهره‌مندی از دیدگاه فقهای عظام در تحلیل مسائل مستحدثه بر اساس اصول و موازین شرعی و استفاده از این دیدگاه‌ها در تدوین قانون، امر ضروری است.

منابع

- قرآن کریم.

- ابن قدامه مقدسی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۳ق)، **الشرح الكبير**، بیروت: دار الکتب العربی.
- امامی، اسدالله (۱۳۴۲)، **مطالعه تطبیقی نسب در حقوق ایران و فرانسه**، رساله جهت اخذ درجه دکتری دانشگاه تهران.
- امامی، سید حسن (۱۳۴۳)، **حقوق مدنی**، ج ۲، تهران: اسلامیه.
- امامی، سید حسن (۱۳۴۷)، **حقوق مدنی**، ج ۵، ج ۲، تهران: اسلامیه.
- بارباراجی، کوهن (۱۳۷۶)، **تومینولوژی پزشکی**، ترجمه: سید محسن برزی و سید مجید برزی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بی تا بس، جیمز (۱۳۹۶)، **دانشنامه حقوق اخلاق زیستی**، ترجمه: محمدجعفر ساعد، تهران: مجلد.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۲۳ق)، **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، ج ۱۵، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۴۰۰)، **جریان یا عدم جریان قاعده درأ در قصاص با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۵، ۱۷۷-۲۱۲.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۲۸، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
- حشمتی‌فر، نرجس؛ ربیعی‌نسب، لیلای؛ مظفری، احمد؛ ولایتی، محسن (۱۳۹۸)، **محرّمیت در اهدای جنین از نظر فقه مذاهب اسلامی**، اخلاق و تاریخ پزشکی، ۱، ۴۵۰-۴۶۲.

- حیدری، عباس (۱۳۸۷)، شرط انتفای ابوت در قصاص و امکان تسری آن به جد پدری، فصلنامه فقه و مبانی حقوق، ۱۱، ۱۷۷-۱۹۶.
- خلیلیان، شیدا؛ رضایی، حلیمه (۱۳۹۹)، نگاهی گذرا بر ناباروری و شیوه‌های نوین درمان، فصلنامه آزمایشگاه و تشخیص، ۴۹، ۴۶-۵۳.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۹۷۶م)، مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، نجف اشرف: مطبعه الآداب.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، ج ۵، چ ۲، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- رضایا معلم، محمدرضا (۱۳۸۶)، باروری های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، چ ۲، قم: بوستان کتاب.
- روشن، محمد؛ حمدالهی، عاصف (۱۳۸۷)، نسب طفل متولد از رحم جایگزین، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۲۸، ۱۲۱-۱۹۲.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۶)، وضعیت حقوقی کودک آزمایشگاهی در روش‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (مجموعه مقالات)، چ ۵، تهران: سمت.
- صابونی، محمدعلی (۱۴۰۰ق)، روائع البیان فی تفسیر آیات الأحکام، ج ۱، چ ۳، بیروت: مؤسسه مناهل العرفان.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۹)، حقوق و اجتماع، چ ۲، تهران: نو.
- صفایی، حسن؛ امامی، اسدالله (۱۳۸۰)، حقوق خانواده، ج ۲، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- صفایی، حسن؛ امامی، اسدالله (۱۳۹۷)، مختصر حقوق خانواده، چ ۵، تهران: میزان.
- طباطبائی حکیم، سید محسن (۱۴۳۳ق)، منهاج الصالحین، ج ۲، قم: دار الهلال.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، کتاب الخلاف، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- عباسی، محمود (۱۳۷۹)، مجموعه مقالات پزشکی ۲، تهران: حقوقی.
- عوده، عبدالقادر (بی تا)، التشریح الجنایی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، ج ۲، بیروت: دار الکتب العربی.
- ملک زاده، فهیمه (۱۳۸۷)، بررسی مسأله لقاح مصنوعی با رویکرد فقهی حقوقی، نشریه فقه و حقوق خانواده، ۴۸، ۸۳-۹۹.

بررسی فقهی حقوقی قصاص پدر در جنایت علیه کودکان متولد از اسپرم اهدایی — ۲۷۴

- نایب زاده، عباس (۱۳۸۰)، بررسی حقوقی روش های نوین باروری مصنوعی مادر جانشین (اهدای تخمک/جنین مطالعه تطبیقی حقوق ایران، اسلام و سیستم های حقوقی خارجی)، تهران: مجد.

- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۳۷۶)، جواهر الکلام فی شرائع الاسلام، ج ۲۱ و ۲۲، چ ۴، تهران: دار الکتب الاسلامی.

- هاشمی، رعنا؛ عکاظمی، آرش (۱۳۸۶)، بررسی باورها و آگاهی زوجین متقاضی اهدای جنین از شرایط طبی و حقوقی اهدای جنین در ایران، مجله علمی پزشکی قانونی، ۲، ۱۰۷-۱۰۲.

- وطن خواه، رضا (۱۳۸۶)، تلقیح مصنوعی از دیدگاه اخلاق و حقوق کیفری، فصلنامه حقوق پزشکی، ۱، ۱۳۳-۱۶۴.

